

# مسئولیت جزایی پزشکان

محمد هادی صادقی\*

**مقدمه**  
صدمات و جنایات وارد بر تمامیت جسمانی افراد در راستای تأکید بر ضرورت صیانت از حیات آدمی، از شدیدترین جرائمی محسوب می‌شود که سخت‌ترین واکنش‌ها را از گذشته‌های دور، در پی داشته است.

طبابت که نوعی تصرف در نفس بیمار است، پزشک را در معرض اتلاف نفس یا عضو قرار داده و ممکن است اقدامات وی به نتایج خطرناک و ناخواسته‌ای منجر شود. از این رو لزوم آگاهی اطباء، به قوانین و مقررات مربوطه تردید ناپذیر است.

امروزه بسیاری از مشکلات موجود در حسن جریان امر، ناشی از ضعف آگاهی‌های حقوقی پزشکان است. به علاوه، معضلات قابل توجهی که برخی از پزشکان را درگیر ساخته است به حد کافی بر ضرورت آموزش‌های حقوقی در کنار دروس تخصصی دلالت دارد، امری که متأسفانه تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است. حدود مسئولیت جزایی پزشکان در مورد جنایات حاصل از اقدامات درمانی، از مباحث مورد علاقه‌ای است که در مقاله زیر به طور فشرده و مختصر مورد بررسی قرار گرفته است.

## الف - ضمان طیب

مسئولیت پزشک در جریان اقدامات درمانی و معالجات طبی از سه جهت قابل طرح و بررسی است.

۱ - مسئولیت پزشک نسبت به نفس فعل طبابت و جراحی:

اقدامات درمانی که به وسیله پزشک صورت می‌گیرد، در واقع نوعی تصرف در نفس دیگری است که جواز مشروعیت این نحو از مداخله، متوقف بر وجود شرایطی است که قانونگذار در مواد مختلف قانونی متعرض آن شده است.

ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود... هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و عملی و نظامات دولتی انجام شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود».



● ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه طبیبی کرجه حاذق و متخصص باشد، در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود، ضامن است».

قانونگذار در این ماده در مقام بیان شرایط جواز تصرف در نفس دیگران به عنوان معالجه و درمان بوده، نفس فعل طبابت را صرف نظر از نتایج احتمالی آن مورد توجه قرار داده است، بنابراین عملیات جراحی و هر اقدام پزشکی دیگر که علیه بیمار صورت می‌گیرد فقط در صورتی که آن اقدامات مشروع بوده و با اذن و رضایت بیمار یا ولی او و بدون خطای جزایی انجام شود، جرم و جنایت محسوب نمی‌گردد. لیکن، در صورت فقدان هر یک از شرایط مذکور، پزشک نسبت به نفس درمان و فعل ارتكابی ضامن خواهد بود.

بنابراین، اذن بیمار منحصراً در مشروعیت «فعل طبیب» یعنی «معالجه» مؤثر بوده و به صدمات اتفاقی حاصل از درمان مربوط نمی‌گردد.

#### ۲ - مسئولیت پزشک نسبت به نتایج بیماری:

در مواردی اگر چه نفس یا عضو بیمار تلف شود، اما مرگ یا صدمات وارده به وی هیچگونه ارتباطی با اقدامات درمانی ندارد. به عبارت دیگر، هر چند امر معالجه در بهبودی و اصلاح وضعیت بیمار تاثیری نداشته است، اما این اقدامات نیز خود عامل و سبب تلف قلمداد نشده، نتیجه حاصله به عواملی خارج از فعل پزشک مستند است.

در این موارد، پزشک هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت، زیرا اساساً جنایت به وی اسناد داده نمی‌شود. در این فرض، «معالجه» که باید به عنوان مانعی بر سر راه سرایت بیماری عمل کند، کارایی لازم را نداشته است، لیکن خود نیز در ایجاد جنایت هیچگونه مداخلتی ندارد. بنابراین، ضمانت پزشک در صورتی مطرح است که جنایت واقع شده بر نفس از فعل درمان ناشی شده باشد. پس، اگر جنایت از عاملی دیگر مانند سرایت بیماری یا جراحی نشأت گرفته باشد و اقدامات درمانی در وقوع آن تأثیری نداشته باشد، پزشک در قبال نتایج آن به اصل برائت تمسک می‌کند.

اصولاً، اذن بیمار برای معالجه و درمان است و نه اذن در تلف، از این رو، اذن وی در سقوط ضمانت تلف مؤثر نبوده و بین اذن و ضمانت نیز منافاتی نیست، نظیر مسئول بودن کسی که به قصد ادب کردن موجب جنایت بر دیگری می‌گردد. در این باره برخی از فقهای بزرگ شیعه ادعای اجماع کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

قانونگذار نیز به پیروی از نظر مشهور فقیهان اسلامی، جنایات واقع شده به وسیله پزشک را از مصادیق جنایت شبه عمد دانسته است، زیرا طبیب با هدف درمان مجنی علیه، فعل واقع شده بر او را قصد کرده است. بنابراین، به موجب بند ب

ماده ۲۵۹، پزشک مسئول پرداخت دیه تلف حاصل از درمان خواهد بود و این در صورتی است که پزشک خود مباشرت در درمان بیمار کرده باشد.<sup>(۲)</sup> در ماده مذکور آمده است: «قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطا، شبیه عمد واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد. مانند آنکه ... طبیعی بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود».

اما اگر طبیب در فرض مذکور، با وجود اذن و عدم خطای جزایی موجب تلف شده باشد، هیچ گونه مسئولیتی نخواهد داشت، زیرا شرط ضمانت در تسبیب، تعدی و تفریط سبب است. بنابراین، در حالتی که پزشک به معالجه مباشرت ننماید، مانند آنکه به بیمار بگوید به نظر من این دارو برای بیماری تو مفید است یا اگر من دچار این بیماری می‌شدم چنین عمل می‌کردم - بدون آنکه بیمار را امر به استعمال دارویی خاص بنماید - چنانچه بیمار یا ولی او با اعتماد به تشخیص پزشک، مباشرت به درمان خویش نماید طبیب ضامن نخواهد بود<sup>(۳)</sup>، زیرا بیمار خود با اراده و اختیار اقدام کرده و مجرد توصیف اثر دارو موجب استناد تلف به پزشک نمی‌باشد.

#### ۳ - مسئولیت پزشک نسبت به جنایات ناشی از درمان:

چنان که گفته آمد، نفس فعل طبابت و جراحی با وجود شرایط، ضمانت آور نخواهد بود، اما اگر این اقدامات برغم رعایت احتیاطات لازم و عدم وجود خطای جزایی، اتفاقاً موجب مرگ بیمار یا صدمات غیر متعارف دیگر شود، آیا می‌توان پزشک را نسبت به نتیجه حاصله مسئول دانست؟

بدیهی است چنانچه طبیب صلاحیت و مهارت علمی و عملی لازم را نداشته و یا با وجود مهارت، بدون اذن و اجازه بیمار یا ولی او اقدام به درمان کند و اتفاقاً موجب تلف گردد ضامن خواهد بود.

فقیهان اسلامی درباره ضمانت پزشکی که در معالجات خود کوتاهی کرده - هر چند بیمار اذن در معالجه داده باشد - ادعای اجماع کرده‌اند<sup>(۴)</sup>. لکن درباره مسئولیت طبیعی که با وجود اذن در معالجه و رعایت کلیه موازین تخصصی، اقدام وی اتفاقاً موجب تلف شده است، اختلاف نموده‌اند.

ابن ادریس در فرض مذکور، بر عدم ضمانت پزشک نظر دارد. زیرا علاوه بر آن که اصل، دلالت بر برائت ذمه و عدم اشتغال دارد، چنین استدلال کرده است که طبیب شرعاً موظف به درمان بیمار بوده و در این راه نسبت به حصول نتیجه

● ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه طیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی، از مریض یا ولی او برائت حاصل نموده باشد، ضامن خسارت جانی یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طیب ضامن نیست».

اقدامات دیگر پزشکی که در هر حال طیب ضامن شمرده می شود، در اینجا مسئولیتی نخواهد داشت<sup>(۸)</sup>.

بنابراین اگر بدون آن که پزشک تعدی و تفریط کرده باشد بعد از ختنه کردن، کودک تلف شود طیب ضامن نخواهد بود<sup>(۹)</sup>.

قانونگذار با الهام از رأی اخیر، مسئولیت ختنه کننده را در صورتی ثابت شمرده است که از حدود خود تجاوز کرده و مرتکب تعدی و تفریط گردد. در ماده ۳۲۰ (ق.م.ا) آمده است: «هر گاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم، موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد».

بنابراین، ماده مذکور مخصص ماده ۳۱۹ (ق.م.ا) خواهد بود، زیرا با توجه به مفهوم ماده ۳۲۰، ضامن طیب نسبت به تلف ناشی از ختنه، چنانچه اقدامات وی در حدود متعارف صورت گرفته باشد، پذیرفته نشده است.

لازم به ذکر است که ثبوت ضامن نسبت به تلف ناشی از درمان، منحصر به اقدامات پزشک نبوده شامل معالجاتی که به وسیله دامپزشک صورت می گیرد نیز خواهد بود.

اگرچه تلف حیوان از مصادیق خسارت بر اموال است، اما قانونگذار در ماده ۳۲۱ (ق.م.ا) در مبحث موجبات ضامن در کتاب دیات چنین مقرر می دارد: «هر گاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد، در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود، ضامن است».

**ب- ابراء طیب**

چنان که گذشت، اقدامات پزشک، به جز ختنه کردن، در صورتی که بر غم رعایت موازین فنی منتهی به جنایت شود موجب ضامن خواهد بود. لکن، اگر بیمار پزشک را پیش از اقدام به درمان ابراء کند چه اثری بر آن مترتب خواهد بود؟

درباره تأثیر برائت در سقوط ضامن طیب دو نظریه مطرح شده است. گروهی معتقدند که اخذ برائت قبل از معالجه و سپس به وجود آمدن «موجب ضامن»، در واقع «اسقاط حق قبل از ثبوت آن» بوده و از مصادیق «اسقاط مالیم یجب» است. به موجب این رأی که به ابن ادریس منسوب شده

بیهودی متعهد نشده است، بلکه بر اوست که سعی لازم را در حدود متعارف به منظور معالجه بیمار معمول دارد؛ در غیر این صورت مسئول شمردن طیب موجب سد باب طبابت و امتناع پزشکان از درمان می گردد. مضافاً اینکه، طیب در فعل خویش محسن بوده و با اقدامات درمانی خود درباره بیمار احسان و نیکی می کند و نیکوکار را نمی توان مسئول شمرده: «و ما علی المحسنین من سبیل» و «هل جزاء الاحسان الا الاحسان». بنابراین، ضامن به دلیل وجود اذن و مشروعیت فعل طبابت ساقط می گردد<sup>(۵)</sup>.

از طرف دیگر به موجب رأی مشهور فقهای اسلامی، پزشک نسبت به تلف نفس یا عضو بیمار مسئول است، زیرا تلف مستند به فعل اوست. این گروه، در رد دلایل قائلین به عدم ضامن پزشک چنین استدلال کرده اند که هرگاه اقدامات درمانی پزشک سبب جنایت بر بیمار شود، بدون آنکه ضامن متوقف بر احراز تعدی و تفریط باشد، وی مسئول قلمداد می گردد.

از این رو دستور به معالجه که از مصادیق سببیت است از احکام تسببت استثناء شده است، زیرا مسئولیت پزشک منوط به وجود خطای جزایی نشده و مانند آن است که پزشک بالمباشره اقدام به درمان کرده باشد.

ماده ۳۱۹ (ق.م.ا) مقرر می دارد: «هر گاه طیبی گرچه حاذق و متخصص باشد، در معالجه هایی که شخصاً انجام می دهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود، ضامن است».

برخی از فقهای اسلامی طبابت هایی را که امروزه به صورت متعارف و با نسخه نویسی صورت می گیرد، از مصادیق دستور به معالجه قلمداد کرده و در این موارد ضامن را بعید شمرده اند<sup>(۶)</sup>، زیرا جنایت عرفاً به فعل پزشک اسناد داده می شود اگرچه خود در آن مباشرت نکرده است.

فقهای اسلامی همچنین درباره ضامن تلف ناشی از ختنه به وسیله پزشک اختلاف کرده اند. برخی بر این باورند که ختنه کردن نیز مانند دیگر اقدامات طیب چنانچه منتهی به جنایت گردد موجب ضامن خواهد بود، اگر چه طیب در عملیات خود مرتکب تعدی و تفریط نشده باشد<sup>(۷)</sup>.

گروهی دیگر ضامن ختنه کننده را متوقف بر تعدی وی دانسته و گفته اند، اگر از مقدار لازم تجاوز کرده باشد مسئول تلف خواهد بود و در غیر این صورت بر خلاف معالجات و

است، ابراء پزشک قبل از درمان نمی‌تواند مؤثر در سقوط مسئولیت وی قلمداد گردد.<sup>(۱۰)</sup>

اما نظریه مشهور فقیهان اسلامی، قائل به عدم ضمان طبیب در صورت اخذ برائت است. این گروه در تأیید رأی خویش، علاوه بر استناد به روایات وارده، چنین استدلال کرده‌اند که احتیاج و نیاز مردم به پزشک ضرورتی است که لزوم تشریح ابراء را توجیه می‌کند، زیرا وقتی پزشک بداند که اگر به درمان و معالجه بیمار پردازد از ضمان رهایی ندارد، از اقدام به درمان و طبابت خودداری خواهد کرد، در حالی که بیمار نیازمند اوست.<sup>(۱۱)</sup>

بنابراین، مفاد روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است<sup>(۱۲)</sup> و نیز ضرورت طبابت در جامعه، برای نادیده گرفتن قاعده «عدم اسقاط حق قبل از ثبوت آن» کافی است. به علاوه، از آنجا که ابراء شرطی است که ضمن قرارداد استفاده از خدمت پزشک مطرح می‌گردد، به مقتضای «المؤمنون عند شروطهم»، بیمار متعهد است به این شرط که تعهدی عقلایی است عمل نموده و در صورت وقوع جنایت، چیزی از پزشک طلب ننماید.<sup>(۱۳)</sup>

قانونگذار نظریه مشهور را مورد توجه قرار داده و به موجب ماده ۶۰ (ق.م.ا) مقرر می‌دارد: «چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی، از مریض یا ولی او برائت حاصل نموده باشد، ضامن خسارت جانی یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نیست».

آنچه در قسمت اخیر ماده آمده است، این توهم را بر می‌انگیزد که اخذ اجازه و اذن در معالجه موجب برائت است، در حالی که اذن و برائت، دو امر متمایز از یکدیگر و دارای آثار متفاوتند. اذن، منحصرأ موجب اباحه فعل طبیب به عنوان درمان و معالجه بوده، مانع ثبوت ضمان نسبت به نتیجه ناخواسته و غیر مطلوبی که از طبابت حاصل شده است، نمی‌گردد. زیرا این اذن متوجه نتیجه حاصله نبوده و فقط اذن در معالجه است که مشروط و مقید به سلامت بیمار و عدم قتل اوست. از این رو، برای عدم مسئولیت پزشک علاوه بر وجود اذن در معالجه و عدم تعدی و تفریط، اخذ برائت نیز ضرورت دارد. چنان که ماده ۳۲۲ نیز تأکید کرده است: «هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید، عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود».

مقصود از ولی در این ماده کسی است که در صورت تلف نفس یا عضو، حق مطالبه دیه و یا عفو از آن را می‌یابد، بنابراین منحصر در ولی قهری مجنی علیه نبوده، کلیه کسانی را شامل می‌گردد که در صورت وقوع تلف مستحق دریافت دیه می‌شوند. از این رو، چنانچه بیمار عاقل و بالغ باشد، اگر معالجات طبیب موجب تلف عضو گردد، چنانچه وی در کمال عقل، پزشک را پیش از درمان ابراء کند در سقوط ضمان طبیب کفایت خواهد کرد.<sup>(۱۴)</sup>

برخی گفته‌اند مراد از ولی، کسی است که امر، به وی ارجاع می‌گردد. بنابراین اگر بیمار، عاقل و بالغ باشد ولی خویش است و اگر کودک یا مجنون باشد، لازم است اذن و ابراء از ناحیه ولی او باشد.<sup>(۱۵)</sup>

### منابع و مآخذ

- ۱- ر.ک: شهید ثانی، مسالک، ج ۲، ص ۴۹۰. شهید ثانی، شرح لعمه ج ۱۰، ص ۱۱۰. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام ج ۴۲، ص ۴۶. سید ابوالقاسم خویی، مبانی تکلمه المنهاج، ج ۲، ص ۲۲۱.
- ۲- ر.ک: شیخ محمد حسن نجفی، همان، ص ۴۹ و نیز، امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶، مسئله ۴.
- ۳- همان.
- ۴- ر.ک: شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۴۴. شهید ثانی، مسالک، ج ۲، ص ۴۹۰ و سید علی طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۵۹۶.
- ۵- ر.ک: ابن ادریس، سرائر، چاپ افست، ص ۳۹.
- ۶- ر.ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۱.
- ۷- ر.ک: شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۷۱.
- ۸- شهید ثانی، شرح سمعه، ج ۲، ص ۳۹۱ و نیز ابن ادریس، سرائر، ص ۴۲۷.
- ۹- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۱.
- ۱۰- ر.ک: شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۴۷.
- سید ابوالقاسم خویی، مبانی تکلمه المنهاج، ج ۲، ص ۲۲۲.
- ۱۱- ر.ک: شهید ثانی، مسالک، ج ۲، ص ۴۹۰.
- ۱۲- وسائل الشیعه، ج ۱۹، باب ۲۴ من ابواب موجبات الضمان، از امام صادق (ع) روایت شده است که: امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هر کس طبابت یا دامپزشکی کند از ولی او برائت گیرد در غیر این صورت ضامن خواهد بود.
- ۱۳- ر.ک: شیخ محمد حسن نجفی، همان، ص ۴۸ و ۴۷.
- ۱۴- ر.ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۱.
- ۱۵- سید ابوالقاسم خویی، مبانی تکلمه المنهاج، ج ۲، ص ۲۲۲.